

## مراحل تحول ایمان از دیدگاه اسلام در مقایسه با دیدگاه فولر

سوده رحمانی\* / زهرا تنها\*\*  
راضیه جلیلی\*\*\* / علی فتح‌الهی\*\*\*\*

### چکیده

گرایش به مبدأ هستی و میل به جاودانگی، دغدغه‌های همواره انسان‌ها بوده است. ادیان آسمانی، ایمان را یگانه راه پاسخ به دو نیادگاه مذکور می‌دانند. بدون تردید، نگرش متفاوت مذاهب بر مفهوم ایمان موجب پدید آمدن تفسیرهای متفاوت شده است. بدین روی، نه تنها بیان مؤلفه‌های ادیان یهود، مسیحیت و اسلام از هم متمایز است، بلکه تفسیر فرق مختلف اسلامی از ایمان نیز متفاوت است. بدین سبب، تلاش متخصصان در راستای مفهوم‌سازی درست از این حقیقت، زمینه‌ساز بروز دیدگاه‌های متفاوت شده است. مسئله پژوهش حاضر مقایسه مراحل تحول ایمان از دیدگاه اسلام و فولر است. روش پژوهش توصیفی و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که ادیان ابراهیمی به خصوص دین اسلام در آیات قرآن کریم ایمان را از سنخ رابطه محکم قلبی تلقی می‌کند و روان‌شناسان آن را نوعی گرایش درونی به مبدأ هستی می‌دانند که رشد ذهنی و تکامل در فهم بشری می‌تواند در تحول آن نقش داشته باشد.

### واژگان کلیدی

ایمان، تحول ایمان، روان‌شناسی، اسلام و ادیان ابراهیمی.

\*. دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی.  
Std\_srahmani@khu.ac.ir  
\*\*. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد خرم‌آباد، خرم‌آباد- ایران. (نویسنده مسئول)  
tanha@khoiau.ac.ir  
\*\*\*. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد خرم‌آباد، خرم‌آباد- ایران.  
jalili@khoiau.ac.ir  
\*\*\*\*. دانشیار گروه عرفان اسلامی دانشگاه آزاد خرم‌آباد، خرم‌آباد- ایران و مدرس معارف اسلامی.  
fathollahi@khoiau.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۵  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰

### طرح مسئله

گرایش به مبدأ جهان، در کنار میل به جاودانگی، دو دغدغه دیرپای انسان بوده است. ادیان توحیدی که از حقیقت انسان، ویژگی‌ها و ابعاد منحصر به فرد او به خوبی آگاهی‌اند، تنها راه پاسخ به این دو نیاز را ایمان می‌دانند. به همین علت، ایمان از مفاهیم کلیدی در ادیان ابراهیمی است. اما در طول تکامل مفهومی خود، معانی متفاوتی داشته و هر دین و فرقه بر اساس اصول خود به تفسیر آن پرداخته است. به عنوان مثال، مفهوم ایمان در مسیحیت با مفهوم آن در اسلام یا یهودیت، یکسان نیست. حتی در میان فرق مختلف اسلامی نیز درباره تفسیر ایمان، اختلاف نظرهایی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه این است که: آیا انسان بینش‌ها و گرایش‌های خاصی در مورد ایمان دارد یا به عبارت دقیق‌تر، آیا غایت از پیش تعیین شده‌ای برای حرکت انسان در مسیر ایمان وجود دارد؟ آیا ایمان در قالب مراحل تحولی اتفاق می‌افتد؟ یا ایمان استعدادی بالقوه در فرد است و بنا به شرایط ویژه و در انسان‌های خاصی تحول می‌یابد؟ پاسخ به این سؤالات، ضرورت پرداختن به مباحثی را پیرامون تحول ایمان مطرح می‌سازد. بنابراین، در پژوهش حاضر برخی از نظریه‌های مطرح در تحول ایمان<sup>۱</sup> را در فرهنگ غربی مرور کرده و ویژگی‌های مهم این نظریه‌ها به منظور تسهیل بحث در مورد ارتباط بالقوه بین تحول ایمان و تحول شناختی، ارائه خواهد شد، در پایان به بررسی دیدگاه اسلام در این خصوص پرداخته و مقایسه‌هایی بین دیدگاه‌های غربی و اسلامی مطرح خواهد شد.

### پیشینه بحث

مفهوم ایمان، در ادیان شرقی به چشم نمی‌خورد؛ بلکه این مفهوم صرفاً در ادیان ابراهیمی به کار رفته است. (ملکیان، ۱۳۸۸: ۵۱) مفهوم حقیقت ایمان از اساسی‌ترین مباحث ادیان ابراهیمی به شمار می‌آید، زیرا اصول بنیادین نظری و عملی هر دینی بر پایه آن استوار است. بر همین مبنای الهیات اسلامی و مسیحی ایمان به معنی تصدیق قلبی است، تصدیقی که نور امید به سعادت این جهانی و جاودانگی را به مثابه لطف الهی بر قلب آدمی پرتوافشانی می‌نماید. لذا، انسان مؤمن خود را فراموش می‌کند و خواست خود را مقهور اراده خداوند می‌نماید و سرانجام، به درجه‌ای می‌رسد که در همه ابعاد وجودی تجلی ذات حق تعالی می‌گردد. (شکوری‌نژاد و علمی، ۱۳۹۰: ۶۹)

در کتاب مقدس، مفهوم ایمان اقتضای سه موضوع اقناع فهم، تسلیم اراده و مهم‌تر از این دو اعتماد قلبی را دارد. (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۴) به زعم بولتمان، ایمان نزد مسیحیان اولیه، مهم‌ترین واژه

---

1. Faith development.

برای ارتباط میان انسان با خدا بود. لذا ایمان، باور به خداوند و تصدیق وی به معنای دقیق کلمه است. (شکوری نژاد و علمی، ۱۳۹۰: ۸۳ - ۸۲) بنابراین، مفهوم ایمان نجات‌بخش، یعنی رهایی به واسطه مسیح صلی الله علیه و آله موضوعی محوری در الهیات مسیحی است. (همان: ۸۴)

در کلام اسلامی، مرجئه ایمان را شناخت همراه با اقرار زبانی می‌دانستند، اما آنان نمی‌گفتند که این شناخت باور قلبی است یا شناخت نظری. معتزلیان موضوع ایمان را مفهومی شرعی پنداشته‌اند. لذا برخی از آنان ایمان را انجام طاعات واجب و اجتناب از قبایح می‌دانستند. (ر.ک: همان: ۷۵ - ۷۴) اشاعره، ایمان را تصدیق قلبی به وجود خداوند، پیامبران و اوامر و نواهی خداوند که بر پیامبران نازل فرموده است و اقرار زبانی به همه این تصدیق‌های قلبی می‌دانند. (شبستری، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۷۱۳) فلاسفه مسلمان حقیقت ایمان را همان معرفت فلسفی به واقعیت‌های هستی دانسته‌اند. حال آنکه عارفان مسلمان ایمان را اقبال به خداوند پنداشته‌اند. (همان: ۷۱۴) بنابراین، ایمان در دین اسلام دستاوردی انسانی است، اما در مسیحیت مافوق طبیعی و باور یک راز است. (همان: ۷۱۴)

۲ - ۱. علیزاده، مهدی و آزاد، حجت الله (۱۳۹۲) در نشریه زیستی دوره ۳، شماره ۷، در مقاله‌ای به عنوان: «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست پزشکی» نتیجه می‌گیرد که ایمان هم بر شناخت مبتنی است و هم بر تسلیم قلب در برابر خدایی با دو ویژگی وجودی و اخلاقی. پس، ایمان امری ذومراتب است که بر فضیلت اخلاقی تأثیر دارد.

۲ - ۲. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۸) در درس گفتارهای فلسفه دین با عنوان: «ایمان و تعقل» انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، فاعل ایمان را انسان و مفعول آن را گزاره‌هایی می‌داند که بدان ایمان می‌آوریم و تأکید دارد که بحث از ایمان و تعقل در زمان کنونی اهمیت دارد.

۲ - ۳. تیبیک، محمدتقی (۱۳۹۵) در مقاله معرفی کتاب ایمان از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر، نشریه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلام، شماره ۴، سال دوم، کوشید نقش ایمان را در سازه‌های بهیباشی، توانمندی خوی، فضیلت‌ها، تاب‌آوری، رفتارهای جامعه‌بار و اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی و با رویکرد تجربی بررسی نماید.

### ۳. نظریه‌های غربی در تحول ایمان

پیروان ادیان ابراهیمی بر این عقیده‌اند که شناخت خداوند از طریق وحی نسبت به سایر مراتب شناخت کامل‌تر است. در سنت‌های دینی خداوند موجودی بی‌نهایت و مطلق است. به همین علت هیچ‌کس قادر نیست که درباره خدا، آگاهی کاملی جز به اراده او به‌دست آورد. در الهیات مسیحی

شناخت خداوند از راه وحی در برابر شناخت طبیعی که حاصل تأمل عقلانی در نظام طبیعت است قرار دارد. (نوغانی، ۱۳۹۵: ۱۱۴) در اندیشه مسیحی دو رویکرد کلی نسبت به مسئله وحی وجود دارد. نخست، رویکرد گزاره‌ای که در آن وحی عبارت است از مجموعه آگاهی‌های نازل شده از سوی خداوند در قالب عبارات و گزاره‌ها دارد. در مقابل این رویکرد، رویکرد غیرگزاره‌ای قرار دارد که در آن شناخت وحیانی، معنایی بیش از شناخت خداوند از طریق عبارات و گزاره‌ها و متضمن معنای انکشاف خداوند است. (همان: ۱۱۵) دیدگاه سنتی مسیحیت قائل به وحی گزاره‌ای است. به‌زعم هیک در رویکرد گزاره‌ای، وحی به‌مثابه فعل خدا و هدف نهایی او در جهان است که در قالب عبارات و گزاره‌ها آشکار می‌شود و از طریق وسائلی فراتر از طبیعت به انسان منتقل می‌شود. (همان: ۱۱۷) رویکرد غیرگزاره‌ای در نتیجه مطالعات انتقادی نسبت به کتاب مقدس پدید آمد. از دیدگاه پیروان الهیات لیبرال، کتاب مقدس نباید به‌عنوان وحی الهی تحریف نشده و نوشته‌ای مستقیماً وحی شده از سوی خدا در نظر گرفته شود؛ بلکه بهتر است به‌عنوان شهادی بر آگاهی‌های برگرفته از تجربه‌های عمیق دینی مد نظر قرار گیرد. بر اساس این، حقایق کتاب مقدس، حقایقی هستند که انسان‌های معاصر باید آن را از خلال تجربیات دینی بررسی کنند. (همان: ۱۲۳)

از نظر متفکران غربی، ایمان را می‌توان به شکل‌های مختلفی تعریف کرد و باید آن را از مذهبی بودن<sup>۱</sup> متمایز کرد، زیرا ایمان منعکس‌کننده تجربه درونی و فردی است، درحالی‌که، مذهبی بودن رعایت آداب و رسوم بیرونی و جمعی است که به یک سنت دینی خاص بر می‌گردد. (سینوت، ۱۹۹۸: ۵۷)<sup>۲</sup> به‌زعم میلرپرین و کرامری منکاسو، ایمان، دین و معنویت را شامل می‌شود؛ زیرا ایمان، مشتمل بر اشکال مختلف باورهای الهیاتی، هنجارهای اخلاقی و اعمالی برای امر مقدس است. (تبیگ، ۱۳۹۵: ۱۵۷) تی وون (۱۹۹۱) عنوان می‌کند که معنویت سالم به‌طور بالقوه در هر شخصی وجود دارد و به دین و مذهب خاصی منحصر نمی‌شود. وی ویژگی‌های معنویت سالم را در اصالت، رها کردن گذشته، مواجه شدن با هراس‌ها، بینش و بخشش، عشق و همدردی، جامعه‌پذیری، آگاه بودن، صلح و آزادی می‌داند. نظریه‌های تحول ایمان بر ابعاد مختلفی از تحول انسان تمرکز داشته‌اند. برخی به‌عنوان مثال، بر تحول ایگو، خودگردانی و خودآگاهی تمرکز داشتند که بر روابط با دیگران اثر می‌گذارند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. (فولر، ۱۹۹۴: ۱۲)<sup>۳</sup> برخی دیگر نیز بر تحول درک و قضاوت اخلاقی و رفتار متعاقب آن با دیگران متمرکزند. (همان: ۱۳) علاوه بر این، برخی از

1. Religiosity.  
2. Sinnott.  
3. Fowler.

نظریه‌پردازان تشابه بین درک کودکان از مفاهیم مذهبی، معنوی و ایمان را با مراحل تحول‌شناختی پیاژه<sup>۱</sup> بررسی کرده‌اند. (فلک، بالارد، و ریلی،<sup>۲</sup> ۱۹۷۵: ۷۵) این نظریه‌پردازان به علت در نظر گرفتن نظریه سنتی پیاژه، تغییرات معنویت در بزرگسالی را مورد غفلت قرار دادند. کارت رایت<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) با توجه به این خلاء، به بررسی رابطه تحول ایمان با تحول شناختی در طول عمر پرداخته و این نظریه‌ها را با دیدگاه‌های اسلامی مورد مقایسه قرار می‌دهد.

اوسر و گاماندر<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) رابطه انسان با خدا را با توجه خاص به رابطه فرد با یک قدرت بالاتر مدنظر قرار دادند. تمرکز خاص آنها روی قضاوت‌های مذهبی مرتبط با بافت بوده است. از این منظر، تحول شناخت مذهبی مستقل از دیگر تحولات شناختی است. آنها مصاحبه‌های گسترده‌ای انجام دادند که در آنها شرکت‌کنندگان به قضاوت مذهبی درباره معضلات اجتماعی می‌پرداختند و درنهایت، مراحل قضاوت‌های مذهبی خود را بر اساس این داده‌ها مطرح کردند. بنابراین، هرچند نظریه آنها به دلیل تغییرات متوالی در ساختار شناخت افراد مشابه با نظریه پیاژه بود، اما مراحل تحولی که پیشنهاد کردند موازی با نظریه پیاژه نبود.

فولر (۱۹۷۴، ۱۹۸۱، ۱۹۹۴) در زمینه تحول ایمان چارچوبی برای فهم چگونگی تکامل مفهوم خدا، یا وجود بالاتر در انسان‌ها، چگونگی اثر وجود برتر بر معانی، عقاید و ارزش‌های اصلی در زندگی خصوصی و ارتباط با دیگران مطرح کرد. وی پیشنهاد کرد که تحول ایمان فردی، تجلی فرایند «معناسازی»<sup>۵</sup> است که به موجب آن افراد به دنبال درک زندگی خود، ارزش‌ها و تعهداتی هستند که به آنها جهت می‌دهد. او بر اساس داده‌های مصاحبه‌های گسترده به این نتیجه رسید که معناسازی در طول زندگی به گونه‌ای متفاوت اتفاق می‌افتد. به گفته فولر (۱۹۸۱)، درک فرد از خودش در رابطه با دیگران و محوریت ارزش و تعهد مشترک، در تحول ایمان ضروری است. (فولدره، ۱۹۸۱: ۶۱)

از نظر فولر و دل<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) ایمان فراتر از مذهب است و ادیان مختلف را در بر می‌گیرد. با چنین درک جامعی، ایمان به‌عنوان فرایندی مرکزی شناخته می‌شود که زیربنای تشکیل اعتقادات، ارزش‌ها و معانی است که به زندگی جهت می‌دهد، باعث ایجاد اعتماد بین افراد می‌شود، وضعیت فردی و وفاداری اجتماعی را در ارتباط با یک چارچوب مرجع قرار می‌دهد و افراد را برای مقابله با چالش‌های

1. Piaget.
2. Fleck, Ballard & Reilly.
3. Cartwright.
4. Oser & Gmunder.
5. Meaning-making.
6. Dell.

زندگی و مرگ توانا می‌سازد. مطالعه فولر با توجه به در نظر گرفتن جنبه‌های تحول روان‌شناختی در کودکان و بزرگسالان همراستا با کارهای پیازه، اریکسون<sup>۱</sup> و کلبگ<sup>۲</sup> است. وی ایمان را به‌عنوان «یک تجربه پویا و عمومی در انسان» (فولر، ۱۹۹۱: ۳۱) می‌پنداشت که با مذهب یکسان نیست.

#### ۴. مراحل تحول ایمان از نظر فولر

۴ - ۱. ایمان اولیه<sup>۳</sup> (تولد تا ۲ سالگی): بیشترین تحول جسمی و ذهنی در یک سال اول زندگی نسبت به سایر مراحل زندگی اتفاق می‌افتد. (دل و دولکان، ۱۹۹۸: ۳)<sup>۴</sup> همچنین، دلبستگی کودک با والدین خود در روابط آینده کودک تأثیرگذار است. (زاکرمن، فرنک و آگستین، ۱۹۹۹: ۵)<sup>۵</sup> عامل دیگر، ایجاد اعتماد در برابر بی‌اعتمادی است که در شکل‌گیری روابط با اطرافیان مؤثر است. (اریکسون، ۱۹۶۳: ۲۲) در این مرحله، کودک در مرحله حسی - حرکتی<sup>۶</sup> پیازه قرار دارد. کودک در این مرحله، توانایی تمایز بین خود و دیگری را ندارند و فقط اطلاعات را به‌طور مستقیم توسط تجربیات حسی یا حرکتی به‌دست می‌آورد. بنابراین، مفهوم قدرت خارجی، قابلیت شناسایی توسط کودک را ندارد و کودک هیچ آگاهی از قدرت بیرونی و آگاهی معنوی نخواهد داشت. (کارت رایت، ۲۰۰۱: ۱۰) با وجود این، می‌توان این مرحله را مبنای تحول ایمان نهایی قرار داد که براساس تحول جسمی و ذهنی کودک، نوع ارتباط با والدین و محیط اطراف شکل می‌گیرد.

۴ - ۲. ایمان شهودی - فرافکن:<sup>۷</sup> این مرحله ۳ تا ۷ سالگی را در بر می‌گیرد. در این مرحله حرکات کلی، حرکات ظریف و تحول‌شناختی، فرایندهای درهم‌تنیده‌ای هستند که مؤید رشد نظام‌های عصبی مرکزی و محیطی است. (کرگ و میکوس، ۱۹۹۹: ۱۴)<sup>۸</sup> از نظر اریکسون، در این مرحله موضوع اصلی خودمختاری در برابر شرم و تردید<sup>۹</sup> است، که پیامد مطلوب آن خودکنترلی و قدرت اراده است. (اریکسون، ۱۹۶۳: ۱۱) در این مرحله کودک شروع به استفاده از زبان برای برقراری ارتباط با جهان می‌کند و شاهد سبکی از معناسازی براساس تجربیات عاطفی و ادراکی

- 
1. Erikson.
  2. Kolberg.
  3. Primal Faith.
  4. Dulcan.
  5. Zuckerman, Frank & Augustyn.
  6. Sensorimotor stage.
  7. Intuitive - Projective.
  8. Krug & Mikus.
  9. Autonomy versus shame and doubt.

کودک هستیم. (بتلهیم، ۱۹۷۷: ۱۵)<sup>۱</sup>

از نظر شناختی، کودک در مرحله پیش عملیاتی<sup>۲</sup> پیازه قرار دارد که در آن به تفکر نمادی می‌پردازد. (فولر و دل، ۲۰۰۶: ۱۸) در این مرحله، فرد نمی‌تواند به مکانیزم‌های توضیحی قراردادی برای ارتباط با قدرت برتر بیندیشد، بلکه، به صورت تلویحی می‌پذیرد که چیزی فراتر از خود، وجود دارد که احتیاج به تعریف دارد. مثلاً در تجربه مرگ نزدیکان ممکن است این طور بیندیشد که «کسی از اون بالا منو نگاه می‌کنه ولی نمی‌دونم چطور و چگونه. این یه معجزه است». بنابراین، در این مرحله رابطه فرد با قدرت خارجی بدون توضیح منطقی است. (کارت رایت، ۲۰۰۱: ۱۸) در این مرحله از تحول ایمان کودک جهت‌گیری خیال‌بافانه و تقلیدی دارد و از طریق ترکیب تصاویر ذهنی، ادراک‌ها و احساس‌ها به خلق مفاهیم ذهنی درباره ایمان می‌پردازد. همچنین، نسبت به مفاهیمی مانند مرگ و اخلاق آگاهی پیدا می‌کند. (فولر، ۱۹۹۶: ۲۲)

۴ - ۳. ایمان اسطوره‌ای - لفظی:<sup>۳</sup> کودکی میانه از ۷ سالگی آغاز می‌شود و دوره دبستان را در برمی‌گیرد. از نظر شناختی، کودک در مرحله تفکر عملیات عینی<sup>۴</sup> قرار دارد و می‌تواند انواع با ثبات‌تری از تفسیرهای آگاهانه، تجربیات و معانی را شکل دهد. (فولر و دل، ۲۰۰۶: ۳۹) کودک در این مرحله، می‌تواند بین خیال و جهان واقعی تمایز قائل شود، از خودمیان بینی خارج شده و به عقاید دیگران توجه کند. (فولر، ۱۹۹۶: ۵۸) زمانی که فرد به این مرحله می‌رسد، از توضیحات قراردادی برای درک معنوی بهره می‌گیرد و از ارزش تجربیات ذهنی می‌کاهد. (لابوی - ویف، ۱۹۹۰: ۱۱۱)<sup>۵</sup> در این مرحله فرد به دنبال توضیحات منطقی برای ارتباط با خدا می‌گردد و فهم افسانه‌ای و ذهنی برایش رضایت بخش نیست. اغلب، این توضیحات عبارت‌اند از تعهدات رفتاری به آداب و رسوم، ارزش‌ها یا باورهایی که به صورت اجتماعی متداولند.

بسیاری از سنت‌های مذهبی با تمرکز روی رفتارهای آشکار به‌عنوان نشانه‌ای از داشتن تعهد مذهبی و معنوی از این مرحله حمایت می‌کنند. فرد در این سطح رابطه خود با قدرت بالاتر را با انجام فعالیت‌های عینی درک می‌کند و این توضیح عینی، نیازش به منطق عینی را ارضا می‌کند. (کارت رایت، ۲۰۰۱: ۳۰) اعتقادات و قواعد اخلاقی در این مرحله کاملاً عینی و تحت تأثیر ویژگی‌های نزدیکان و محیط اطراف است. (فولر و لوین، ۱۹۸۰: ۲۱) در این مرحله هنوز مفهوم خدا به صورت

1. Bettelheim.
2. Preoperational stage.
3. Mythic-Literal.
4. Concrete operational thinking.
5. Labouvie-Vief.

فردی در کودک ایجاد نشده و تحت آموزه‌های محیطی شکل می‌گیرد. معمولاً خدا شبیه والدین یا حکمرانان به‌عنوان الگویی مراقبت‌کننده و استوار است. کودک بر این باور است که خوبی پاداش می‌گیرد و بدی تنبیه را به‌دنبال دارد. همچنین، نمادها و باورهای مذهبی به‌صورت کلامی پذیرفته می‌شود و کودکان در ساختن معنا غالباً از روایت‌هایی استفاده می‌کنند که عینی هستند. (فولر و دل، ۲۰۰۶: ۳۲)

۴ - ۴. ایمان ترکیبی - قراردادی<sup>۱</sup>: در این مرحله، بلوغ منجر به تسریع رشد جسمی و ظهور خصوصیات جنسی ثانویه می‌شود. (افر، شونرت و بکسر، ۱۹۹۶: ۱۴)<sup>۲</sup> علاوه بر تغییرات ظاهری، انقلابی در عملکرد شناختی رخ می‌دهد. نوجوان با دستیابی به مرحله تفکر عملیات صوری<sup>۳</sup> می‌تواند از مفاهیم انتزاعی استفاده کند، درباره تفکر خود بیندیشد و برای خود معناسازی کند. (پیاژه، ۱۹۷۶: ۴۵) با توجه به ایجاد عملیات صوری، نوجوان اعتماد بیشتری به مفاهیم انتزاعی پیدا می‌کند و بنابراین، به برقراری ارتباط با خداوند و مسائل ماورائی به‌شدت علاقه‌مند می‌شود. (فولر، ۱۹۹۶: ۸۷) در این مرحله، توجه نوجوان به دیدگاه‌های افراد در خارج از خانواده جلب می‌شود و تلاش می‌کند تا برای رسیدن به یک دیدگاه منسجم، تعارض‌های موجود را حل کند. بسیاری از افراد از این مرحله فراتر نمی‌روند و تا پایان عمر در این مرحله می‌مانند. (فولر و لوین، ۱۹۸۰: ۲۸)

۴ - ۵. ایمان فردی - تأملی<sup>۴</sup>: این مرحله که غالباً در اواخر نوجوانی یا اوایل بزرگسالی رخ می‌دهد، ارزیابی و قضاوت درباره ارزش‌ها را در برمی‌گیرد. (فولر، ۱۹۹۶: ۱۰۱) در این مرحله باورها درونی شده و فرد مسئولیت پذیرش سبک زندگی، ارزش‌ها و تعهدات عملی نسبت به آنها را می‌پذیرد. (فولر و لوین، ۱۹۸۰: ۴۷) دو شاخص مهم این مرحله عبارت‌اند از، اول توسعه توانایی تأمل انتقادی درباره ارزش‌ها، باورها و تعهداتی است که در مرحله قبل شکل گرفته‌اند. این بازنگری در باورهای عمیق می‌تواند یک فرایند دردناک باشد. دوم اینکه، فرد باید با توسعه هویت و ارزش خود، قادر به قضاوت مستقل درباره افراد، نهادها، و جهان‌بینی شود. در ساخت ایمان فردی - تأملی، نمادهای خانوادگی و به ارث رسیده، آیین‌ها، باورها، سنت‌ها، و احکام مذهبی مورد بررسی دقیق‌تر قرار می‌گیرد. در پایان، عقاید، سنت‌ها و اعمال خانوادگی ممکن است کنار گذاشته شوند و یا اینکه حفظ شود که در صورت نگه داشتن، آنها به روشنی و به‌صورت عمدی انتخاب شده‌اند. (فولر، ۱۹۸۷: ۵۵)

- 
1. Synthetic-Conventional.
  2. Offer, Schonert-Reichl, & Boxer.
  3. Abstract operational thinking.
  4. Individuative-Reflective.



۴ - ۶. ایمان ربط‌دهنده<sup>۱</sup>: این مرحله غالباً از نیمه‌زندگی و یا پس از آن آغاز می‌شود. در این مرحله به‌رغم درونی‌سازی اعتقادات در مراحل قبلی، شاهد بحران در باورها هستیم. (فولر و لوین، ۱۹۸۰: ۱۲۲) مرحله ایمان ربط‌دهنده ویژگی متفکری است که به انواع حقایق با دیدگاهی چندگانه می‌رسد و هم‌زمان از دیدگاه‌های متناقض برخوردار است. افراد در این مرحله علاقه زیادی به آشنا شدن با حقایق سنت‌های دینی و فرهنگی دیگر دارند و بر این باورند که گفتگو با کسانی که عقاید متفاوتی دارند، به عمیق شدن درک و ایجاد بینش‌های جدید درباره سنت‌ها و باورها منجر می‌شود.

۴ - ۷. ایمان جهان شمول<sup>۲</sup>: افرادی که در مرحله ایمان جهان‌شمول قرار دارند، با جهان پیرامون خود رابطه بسیار نزدیکی برقرار می‌کنند. مشابه مرحله نهایی قضاوت اخلاقی کلبیگ افراد کمی به این مرحله نائل می‌شوند. (فولر و لوین، ۱۹۸۰: ۱۰۹) این مرحله شامل احساس وحدت با خداوند، تعهد به عشق، عدالت و غلبه بر ظلم و خشونت است. افرادی که به این مرحله از ایمان می‌رسند، جهان را سرشار از عشق و عدالت درک می‌کنند. (فولر، ۱۹۹۶: ۱۳۱) در این مرحله، افراد به‌دلیل ارزش‌های انسانی، مقدس شمرده می‌شوند. مثلاً کسانی که زمانی دشمن بوده‌اند، به‌عنوان بندگان خدا در نظر گرفته می‌شوند که مستحق عشق بی‌قید و شرط هستند. افراد در این مرحله از ایمان، مانند افراد عادی کاستی‌ها و مشکلات مختلفی در زندگی تجربه می‌کنند، ولی با وجود این مسائل، با جهان‌هستی در صلح هستند. (فولر، ۱۹۸۷: ۵۷)

با توجه به مراحل مطرح شده، سیر تحول ایمان از مراحل عینی در کودکی به سمت یکی شدن با خالق هستی در بزرگسالی حرکت می‌کند. (فولر، ۱۹۹۶: ۱۲) همچنین، توجه به چند نکته از نظر فولر (۱۹۸۷) در بررسی تحول ایمان از اهمیت برخوردار است. اول اینکه، قضاوت ارزشی از طریق این نظریه، به‌هیچ‌وجه مجاز نمی‌باشد. با توجه به قرار داشتن فرد در مرحله‌ای خاص، نمی‌توانیم قضاوتی درباره ارزشمندی یا کارآمدی رابطه ایمان به خدا داشته باشیم؛ دوم اینکه، در هر مرحله الگویی از تفکر، ادراک و رفتار وجود دارد که در مراحل بالاتر با عملیات‌های پیچیده‌تری به کیفیات مراحل پیشین افزوده می‌شود؛ سوم اینکه، وارد شدن به مراحل بالاتر حتمی نیست و ممکن است فرد به مراحل بالاتر دست نیابد. برای هر مرحله زمان شروع وجود دارد، ولی انتهایی ندارد.

اگرچه تلاش‌هایی برای مرتبط دانستن نظریه تحول‌شناختی پیاژه با تحول ایمان صورت گرفته، (فلک، بالارد و ریلی، ۱۹۷۵: ۲۱) رابطه تحول ایمان با نظریه‌های جدیدتر نئو پیاژه‌ای‌ها و نظریه‌های

1. Conjunctive.  
2. Universalizing.

پسا انتزاعی<sup>۱</sup> به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به پژوهش کارت رایت (۲۰۰۱) اشاره کرد که تلاش کرده تا این ارتباط را نمایان سازد. همچنین، نظریه‌های پسا انتزاعی با توجه به انتقادات صورت گرفته به نظریه پیازه مطرح شدند تا بیشتر بر تحول شناختی در بزرگسالی تمرکز داشته باشند، در ادامه به سه مورد از کاستی‌های اصلی نظریه پیازه اشاره می‌شود:

۱. نظریه سنتی پیازه، تحول شناخت در بزرگسالی را در نظر نگرفته بود. بنابراین، برخی پژوهشگران، نظریه‌های پسا انتزاعی را برای بررسی تحول شناختی در بزرگسالی پیشنهاد دادند؛ ۲. برخی از نظریه‌پردازان پیشنهاد دادند که تحول شناختی، آن‌گونه که پیازه مطرح کرده، کلی نیست، بلکه با سرعت‌های مختلف در حوزه‌های خاص به وقوع می‌پیوندد و می‌تواند هر زمانی در طول زندگی رخ دهد؛ ۳. نظریه سنتی پیازه، ادعا می‌کرد که تحول شناخت با تکیه بیش از حد بر شواهد عینی مستند می‌شود، در حالی که، مفهوم‌سازی‌های اخیر، پیشنهاد می‌کنند که یک نظریه تحول شناختی جامع، باید تجارب ذهنی، مانند تعاملات اجتماعی و بافتی را که می‌توانند ابزارهایی برای تغییر شناخت باشند، در نظر بگیرد.

انتقاداتی نیز به نظریه‌های تحولی با محوریت ایمان مطرح شده است. نظریه اوسر و گاماندر (۱۹۹۱) و فولر (۱۹۸۱) از نظر پیشنهاد مراحل برای تحول ایمان در طول زندگی مشابه هستند. این نظریه‌ها در زمینه ارتباط بین انسان و قدرت بالاتر مشترک هستند. کن (۱۹۹۳) بیان کرد که تعالی خود وسیله‌ای برای تحول ایمان است، ولی توضیحی رسمی برای این فرایند نداشت. سینوت (۱۹۹۸) نیز بیان کرد که شناخت کامل، در بافتی که افراد با یکدیگر تعامل دارند، به وجود می‌آید. بنابراین، به نظر می‌رسد که مفهوم ارتباط و فرایند تعالی برای تحول ایمان ضروری باشد.

همان‌گونه که نظریه پیازه بیشتر نظریه‌ها در مورد تحول ایمان وابسته به سن مطرح شده و با تحولات کلی در حوزه‌های شناختی، اخلاقی یا اجتماعی، مرتبط شناخته شده است. اگر چه اوسر و گاماندر (۱۹۹۱) تحول در قضاوت مذهبی را مستقل از سایر تحول‌ها در نظر می‌گیرد، ولی باز هم تغییرات تحولی وابسته به سن را مطرح می‌کنند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نتو پیازه‌ای‌ها و نظریه‌های جدید تفکر پسا انتزاعی نشان دادند که تغییرات تحولی در شناخت، ضرورتاً با سایر حوزه‌ها هماهنگ نیست و با سن تقویمی محدود نمی‌شود. در بزرگسالان تنوع زیادی در مراحل عملکرد شناختی و درک معنوی وجود دارد. بنابراین، نیاز به یک دیدگاه جامع‌تر نسبت به تحول ایمان وجود دارد.

---

1. Post-formal.

براساس نظریه تحول شناختی، افراد در هر مرحله کیفیت تفکر متفاوتی دارند و برای رفتن به مرحله بالاتر، فرایند تفکر، تعالی پیدا می‌کند. این مکانیزم انتزاعی ممکن است برای تحول ایمان هم، رخ دهد. فهم ارتباط فرد با قدرت مافوق از طریق مراحل شبیه به مراحل اصلی پیازه پیش می‌رود. سینوت (۱۹۹۸) پیشنهاد داد که فهم فرد از این نوع ارتباط می‌تواند از مرحله عملیات صوری فراتر رفته و به ویژگی‌های تفکر پسا انتزاعی نزدیک شود. همچنین، مراحل مختلف تحول ایمان در سنینی که نظریه پیازه پیشنهاد کرده بود، رخ نمی‌دهند بلکه حرکت در طی این مراحل ممکن است در هر زمان در زندگی فرد بسته به تجربیات، آگاهی و انگیزش باشد.

نظریه تحول شناختی سنتی به دلیل تکیه بر جنبه‌های عینی تفکر و غفلت از خصوصیات ذهنی مؤثر بر تحول شناخت، مورد انتقاد قرار گرفته بود. با این وجود، نظریه‌های نئو پیازه‌ای و پسا انتزاعی، همچنین نظریه‌های تحول ایمان بر اهمیت متغیرهای بافتی و اجتماعی تغییرات تحولی تأکید دارند. مطالعه همیلتون و جکسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نیز نشان داد که حوادث مصیبت‌بار و ناخواسته باعث تسریع آگاهی معنوی و تحول ایمان می‌شود. فولر (۱۹۸۱) بیان کرد تعارض، تحول ایمان را برمی‌انگیزد که این مفاهیم با مفهوم پیازه که معتقد بود تعارض باعث ایجاد تغییر در ساختارهای شناختی می‌شود، هماهنگ است. زمانی که فرد با شرایطی مواجه می‌شود که با مفهوم فعلی فرد از جهان هماهنگ نیست، برای معنا دادن به اطلاعات موجود مجبور می‌شود که فراتر از ساخت‌های قبلی از واقعیت رود که خود نشان‌دهنده اثرگذاری شناختی بر تحول ایمان است.

#### ۵. یکپارچه کردن نظریه تحول شناختی و تحول ایمان

در قسمت قبلی به نظریه‌های تحول شناختی و معنوی و انتقادات وارد بر آنها اشاره شد. چهار مرحله اول تحول ایمان را می‌توان تا حدودی متناسب با چهار مرحله شناخت پیازه در نظر گرفت، ولی مراحل بعدی تحول ایمان نیاز به تحول شناخت سطح بالا دارد که در نظریه پیازه به آن پرداخته نشده است. در ادامه، مرحله پسا انتزاعی از تحول شناختی مطرح می‌شود که با نظریه‌های شناخت تحولی نئو پیازه‌ای و پسا انتزاعی هماهنگ است.

از نظر کارت راییت (۲۰۰۱) مراحل پیازه می‌تواند توسط مرحله پسا انتزاعی ادامه یابد تا با خصوصیات بزرگسالی هماهنگی بیشتری داشته باشد. از نظر وی، این مرحله در تحول ایمان بسیار تأثیرگذار است. یکی از خصوصیات مرحله پسا انتزاعی این است که افراد می‌توانند از دیدگاه‌هایی که

---

1. Hamilton & Jackson.

فرهنگشان به آنها منتقل کرده و آنها را محدود کرده بیرون بیایند و از آن به‌عنوان گزینه‌هایی بالقوه استفاده کنند تا حقایق مطلق. همچنین، توانایی توجه به جایگزین‌های چندگانه واقعیت و انتخاب یکی به‌عنوان مناسب‌ترین گزینه برای خود، نوعی از تفکر پسا انتزاعی است. (سینوت، ۱۹۹۸: ۱۹)

فرد در این مرحله، دیگر در چارچوب فرهنگی که فهمش را در مراحل قبلی هدایت می‌کرد، محدود نمی‌شود. افراد در مرحله پسا انتزاعی به جای تمرکز بر اینکه چگونه می‌توانند رابطه خود با خدا را از طریق رفتارهای عشق و بخشش حفظ کنند، بر این باورند که این قواعد انتزاعی، نیروهایی در ارتباطات بین خود، دیگران و قدرت بالاتر هستند.

نکته قابل تأمل اینکه اساساً خاستگاه باورمندی مؤمنانه از منظر قرآن عنصری مجرد و غیرمادی موسوم به «قلب» است. لذا، ایمان پذیرش یا عدم‌پذیرش مجموعه گزاره‌هایی خاص و مبتنی بر برهان و استدلال نیست. حال آنکه در نگرش روان‌شناسانه تحول ذهنی می‌تواند نقش و تأثیر بسزایی داشته باشد. آنچه در مباحث روان‌شناختی دیده می‌شود متصور شدن مراحل تحولی در ایمان است که همراستا با تحول شناختی افراد اتفاق می‌افتد و از سطوح پایین‌تر تا بالاتر نمود می‌یابد. در هر مرحله خصوصیات خاصی در نظر گرفته می‌شود و فرد با موفقیت در یک مرحله وارد مرحله تحولی دیگر می‌شود.

#### ۶. مفهوم ایمان در قرآن و روایات

ایمان واژه‌ای قرآنی و مصدر ثلاثی مزید از ماده (أ - م - ن) است. این واژه گاه به‌صورت معرفه یا نکره و گاه نیز مرکب و مضاف به ضمیر، بیش از ۵۰ بار آمده است. گرچه مفهوم ایمان به‌طور مستقیم در قرآن توضیح داده نشده، اما درباره موضوعات اساسی آن مطالب زیادی آمده است. (شبستری، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۷۱۲) قرآن کریم ایمان را گاه نوری مبتنی بر مشیت حق برای هدایت بندگان تلقی می‌کند که شخص پیامبر ﷺ نیز از کیفیت و چگونگی آن مطلع نیست «ما کُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری / ۵۲) و گاه از ایمان به امری از سنخ «ندا»ی درون تعبیر می‌کند که (آل عمران / ۱۹۳) اهل ایمان آن را استماع می‌کنند. ویژگی‌های عمده و اساسی ایمان در قرآن کریم عبارت است از: ۱. محور اصلی ایمان باوردداشت الله است، اما در آیات بسیاری به ضرورت ایمان به انبیای الهی، کتب آسمانی، فرشتگان و روز قیامت نیز اشاره شده است؛ ۲. در پاره‌ای از آیات به تفاوت ایمان با اسلام و ترجیح ایمان بر اسلام تصریح شده است؛ ۳. ایمان حقیقی موجب شدت حبّ خداوند می‌شود؛

۴. خداوند اهل ایمان را از تاریکی‌ها بیرون آورده و به روشنایی رهنمون می‌شود؛ ۵. آیاتی از قرآن به تلازم ایمان و عمل صالح برای اهل ایمان اشاره دارد؛ ۶. ایمان، حقیقتی است که قابلیت ازدیاد و نقصان دارد؛ ۷. ایمان سبب آرامش قلوب مؤمنان می‌شود؛ ۸. گاه اهل ایمان دچار نومیدی می‌شوند؛ ۹. مؤمنان با سخن استوار از سوی خداوند در دنیا تثبیت می‌شوند؛ ۱۰. شیطان هیچ‌گونه تسلطی بر مؤمنان ندارد؛ ۱۱. خداوند ایمان را در نظر مؤمنان محبوب ساخت و آن بر قلب‌شان حک کرد؛ ۱۲. نزول سکینه از سوی خداوند موجب زیاد شدن ایمان می‌شود. (شبستری، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۷۱۳)

پیامبر ﷺ متعلق ایمان را باورداشت خداوند یکتا و فرشتگان و پیامبران و روز بازپسین می‌داند. (ر.ک. هجویری، ۳۶۷) از نبی مکرم اسلام ﷺ نقل شده است که در تعریف ایمان فرمود: «الإيمان إقرارٌ باللسان، و تصديقٌ بالقلب، و عملٌ بالأركان». (فتح الهی و نظری، ۱۳۸۸: ۴۸) امام علی ﷺ فرمود: «أصلُ الإيمانِ حُسنُ التسليمِ لأمرِ الله» (ریشه ایمان، خوب تسلیم شدن در برابر فرمان خداست) (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۸ حدیث ۳۵۷۹۹) امیرمؤمنان علی ﷺ می‌فرماید: «الإيمانُ معرفةٌ بالقلبِ و إقرارٌ باللسانِ و عملٌ بالأركان». (نهج البلاغه، حکمت / ۲۲۷) امام علی ﷺ در نهج البلاغه چهار رکن «صبر، یقین، عدل و جهاد» را برای ایمان برشمرده است. (نهج البلاغه، حکمت / ۳۱) صاحب شرح مواقف، ایمان را همان یقین جازم قلبی می‌داند و در تعریف ایمان می‌گوید:

أَنَّ التَّصَدِيقَ الَّذِي هُوَ الْإِيمَانُ الْمَرَادُ بِهِ الْيَقِينُ الْجَازِمُ الثَّابِتُ. (فتح الهی و نظری، ۱۳۸۸: ۴۸)

## ۷. تحول ایمان از دیدگاه اسلام

با استناد به آیه شریفه: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...» (حجرات / ۱۴) اغلب فرق اسلامی به جز مرجئه و قدریه اصل تحول، تفاوت اسلام با ایمان یا اشتداد در ایمان را پذیرفته‌اند. این دو فرقه به سبب شمرده نشدن ایمان در زمره اعمال، اهل ایمان را متفاوت تلقی نمی‌کنند. (المبیدی، ۱۳۶۱: ۹ / ۲۶۶) صاحب المیزان معتقد است خداوند در این آیه شریفه، نخست ایمان را از اعراب نفی می‌کند و سپس، توضیح می‌دهد که منظور این است که ایمان کار دل است، و دل‌های شما هنوز مؤمن نشده است. ایمان، معنایی است قائم به قلب و از قبیل اعتقاد، و اسلام معنایی است قائم به زبان و عمل اعضا و جوارح. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۸ / ۴۹۲ - ۴۹۱)

البته تأمل در آیات دیگر نشان می‌دهد که ایمان امری تبدیل‌پذیر است. قرآن از تبدیل ایمان به کفر با تعبیر گمراهی یاد می‌کند. (بقره / ۱۰۸) در آیات دیگر قرآن کریم بر اشتدادپذیری ایمان

تصریح می‌کند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» (انفال / ۲) علامه طباطبایی معتقد است که این آیه بر انبساط ایمان و ریشه دواندن آن در قلب انسان‌ها با مشاهده آیات الهی دلالت دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۹ / ۱۱) همچنین، تعبیر وحیانی: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح / ۴) همچنین فرمود: «وَيَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا» (مدثر / ۳۱) جنید بغدادی و سهل تستری و سایر متقدمان معتقدند که زیادت و نقصان در جنبه اقرار زبانی و جنبه عملی ایمان بلامانع است، اما جنبه قلبی ایمان قابل افزایش است، اما نقصان نمی‌پذیرد، زیرا کمترین تردید در اخبار و مواعد الهی، کفر و خروج از دایره ایمان است، حال آن که زیادت تصدیق از جهت یقین اشکالی ندارد. (ر.ک. کلاباذی، ۱۴۲۲ / ۲۰۰۱: ۵۴ - ۵۳) در عرف اهل تصدیق، ایمان تصدیق خاص، نسبت به آن چیزی است که بدان علم قطعی حاصل شود. (طوسی، ۱۳۷۳: ۹) خواجه نصیرالدین طوسی برای ایمان مراتبی قائل است. وی پایین‌ترین مرتبه ایمان را ایمان ظنی دانسته و ایمان تقلیدی را نیز جایز می‌داند. (ر.ک: خادمی و عزیزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۴) ایشان در کتاب «*وصف الأشراف*» ایمان یقینی را منتهای مراتب ایمان می‌داند. (همان: ۱۳۷)

براساس این، ایمان از نظر اسلام از جمله مسائل بنیادی است که پی‌آمد اثبات نیاز به موجودی متعالی است. متفکرین اسلامی و غربی با توجه به اینکه چه حالت و مفهومی در ایمان نقش کلیدی دارد، تعاریف گوناگونی را برای آن بیان نموده‌اند. چنان‌که برخی از متفکران غربی، ایمان را همان «دل بستگی واپسین» معرفی نموده‌اند (همان: ۱۶) و عده‌ای از اندیشمندان اسلامی از آن به «باور قلبی به امر قدسی» (همان: ۱۱۳) یاد کرده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی در پرتو آیات قرآنی، به تبیین واژه ایمان پرداخته، می‌گوید: ایمان از ریشه «امن» و معنی اصلی آن امنیت دادن است؛ به این دلیل که مؤمن در پرتو ایمان خویش، می‌تواند باورهای خود را از شک و تردید در امان نگاه دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۵۵) ایمان از دیدگاه علامه همین عقد دوم قلب است، همان چیزی که در آثار علامه با تعبیری مانند «التزام عملی» از آن یاد می‌شود: «ایمان به معنای تصدیق چیزی و التزام به لوازم آن است». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵: ۵ - ۴)

جوهره اصلی ایمان از دیدگاه ملاصدرا علم و معرفت است که در قالب ایمان دینی بیان می‌شود. ایمان دینی از نظر وی، علم به اصول دینی، یعنی علم به خدا، ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران و روز رستاخیر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۵ / ۳۳) معتقد است که ایمان با اسلام که صرف اقرار به شهادتین است، متفاوت است، (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۲ / ۱۷۴) زیرا محل ایمان، قلب است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۱ / ۱۴۴) در حقیقت، ایمان دینی، اعتقادات یقینی مخصوص است که از

راه برهان یا مکاشفه برای فرد حاصل شده و این علوم به نحوی در جان فرد رخنه کرده که قابل نابودی نمی‌باشد. (اکبریان و گلستانه، ۱۳۹۱: ۲۴) امام علی علیه السلام در بیان صفات افراد با ایمان می‌فرماید:

اینان اخلاقی ملایم و طبیعتی متواضع دارند. روانشان از سنگ سخت محکم‌تر است و در رفتار با مردم از بندگان زرخرید، افتاده‌تر و خاضع‌ترند. (نهج‌البلاغه: ۳۳۳)

تحول به‌ویژه در ایمان، در اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته و مطالب مربوط به آن در آیات و روایات متعدد از جهت گوناگون بیان شده است. ایمان، در قرآن کریم به معنای راهنمایی انسان به سوی خداوند است. مسیر تحول همان مسیر تقرب به خداست که با شکفتن استعدادها، او را در راه کمال قرار می‌دهد. معنی دیگر آن، رسیدن به خردمندی و قوه تشخیص است که بدان وسیله انسان مسئولیت کارهایش را در زمینه‌های متعدد پذیرا می‌شود.

در مبانی روایی از مراتب ایمان به معنای ایمان ضعیف و کامل سخن به میان آمده است. چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را که در مبارزه با منکر کوتاهی می‌ورزد و به انکار درونی نه ظاهری بسنده می‌کند، «ضعف الایمان» توصیف می‌نماید. و در مقابل، در بیان کمال ایمان فرمود: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا» (الکلاباذی، ۱۴۲۲: ۵۴) بر اساس این، اگر آثار ایمان فرد در باطن و ظاهرش آشکار شود و در اخلاق آدمی تأثیر گذار باشد، از ضعف به کمال تحول می‌یابد.

از دیدگاه اسلام، تحول اخلاقی با میزان شناخت‌های کامل‌تر فرد از اهداف زندگی و کمالات انسان و انگیزه قرار دادن آنها ارزیابی می‌شود. به عبارت دیگر، آن‌گونه که در اخلاق اسلامی از آن تعبیر می‌شود، رشد اخلاقی با نیت، سنجیده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کارها با نیت سنجیده می‌شود و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، هرچه نیت به اهداف ارزشمندتری تعلق گیرد و خالص‌تر باشد از ارزش بیشتری برخوردار است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷ / ۲۱۰)

با توجه به مطالب بالا، در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول: پرستش خدا به خاطر در امان ماندن از آتش دوزخ؛ گروه دوم: رسیدن به پاداش آن جهانی و گروه سوم: شناخت و محبت عمیق به خداوند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۷)

از سوی دیگر، از نظر اسلام، اساس احساس ایمان به خدا به‌طور فطری در طبیعت انسان قرار دارد. (روم / ۳۰) روان پاک کودک برای پذیرش تعالیم اسلامی، مانند زمین مستعد و آماده‌ای است

که هر بذری را در خود می‌پذیرد. (نهج البلاغه: نامه ۳۱) امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

احادیث اسلامی را به فرزندان خود هرچه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه مخالفین بر شما سبقت بگیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال کنند. (کلینی، ۱۳۸۸: ۶ / ۴۷)

قرآن کریم در بیان تبدیل ایمان به کفر به مثابه گم شدن از راه راست دانسته و می‌فرماید: «مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ يَأْتِ الْإِيمَانَ قَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (بقره / ۱۰۸) توجه به مفاهیم مرادفی مانند اسلام، ایمان<sup>۱</sup> یا ایمان و اطمینان<sup>۲</sup> قلبی در بیان چگونگی احیا مردگان برای ابراهیم علیه السلام با وجود معانی متمایز آنها خود بیانگر مراتبی از تحول باورداشت انسان‌ها یا همان تحول در مراتب اعتقاد و ایمان آنهاست. صاحب‌المیزان بر آن است که جمله «لِيُطْمِئِنَّ قَلْبِي» در کلام ابراهیم علیه السلام، مطلق اطمینان و ریشه‌کن کردن منشأ همه خطورها و وسوسه‌های قلبی از قلب است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۵۷۳) آنچه مورد تأکید است، فطری بودن ایمان قلبی نسبت به پروردگار جهان است. در متون اسلامی تحول در معنای هدایت، نجات، صلاح و کمال یافتن است. بنابراین، از دیدگاه اسلام تحول در تعالی انسان جایگاهی والا و ارزشمند دارد و انسان در مسیر تعالی و کمال خویش می‌تواند به آن دست یابد، البته هر کس آسان به این جایگاه و مقام بلند نمی‌رسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

هنگامی که خداوند خیر کسی را می‌خواهد او را در دین فقیه و آگاه می‌سازد و رشدش را به او الهام می‌کند. (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳ / ۴)

بنابراین، می‌توان گفت که رشد و تربیت از دیدگاه اسلام اخلاقی است و هدف اسلام رساندن انسان به جایگاه اخلاقی‌اش است.

## ۸. مقایسه ایمان از منظر اسلام و فولر

بدون تردید، تطبیق مفهوم ایمان از منظر وحیانی با نگرش علمی آن با دانش بشری در تمام زمینه‌ها به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. دین اسلام و تعالیم قرآن کریم، ایمان را مفهومی مرتبط با مبدأ هستی و از سنخ رابطه محکم قلبی میان بندگان و خداوند تلقی می‌کند. پس، ایمان مفهومی فراتر از حدّ یک گزاره منطقی است که انسان با استدلال بدان دست یابد. درحالی‌که روان‌شناسان ایمان را

۱. قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ. (حجرات / ۱۴)

۲. قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطْمِئِنَّ قَلْبِي ... (بقره / ۲۶۰)



نوعی گرایش درونی به خداوند به عنوان مبدأ هستی می‌دانند که رشد ذهنی می‌تواند در تحول آن نقش داشته باشد.

از تأمل در مفهوم پاره‌ای از آیات شریفه قرآن به‌ویژه (حجرات / ۱۴) می‌توان دریافت که ساحت «اسلام» مقدمه نیل به ساحت «ایمان» است. بر اساس این، اسلام ثمره عمل و مرتبط با اعمال جوارح است، حال آن که ایمان بر قلب اهل ایمان نوشته می‌شود. لذا، می‌توان دریافت که ایمان، صورت تحول یافته اسلام است، اما ممکن است کهنه برخی از افراد به ساحت ایمان راه نیابند. شایان ذکر است که بررسی این آیه:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ... (بقره / ۲۶۰)

نشان می‌دهد که وجود ایمان موجب اطمینان قلبی و یقین ثابت برای اهل ایمان می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است:

ابراهیم علیه السلام درخواست روشن شدن حقیقت کرده، اما از راه بیان عملی نه بیان علمی به احتجاج و استدلال. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۲)

به‌زعم فولر، ایمان در مرحله فردی - تأملی است که غالباً در اواخر نوجوانی یا اوایل بزرگسالی رخ می‌دهد. این مرتبه ایمان، ارزیابی و داوری درباره ارزش‌ها و اعتقادات است. در این مرحله باورها درونی شده و فرد مسئولیت هرگونه سبک زندگی، ارزش‌ها و تعهدات عملی نسبت به آنها را می‌پذیرد. دو شاخص مهم مرحله ایمان فردی - تأملی، یکی توانایی تأمل انتقادی درباره ارزش‌ها و باورهاست و دیگری اینکه، فرد باید با توسعه هویت خود به قضاوت مستقل درباره افراد، نهادها و جهان‌بینی بپردازد.

## نتیجه

تحول در مفهوم ایمان در این دو دیدگاه، یعنی نگرش اسلامی با نگرش روان‌شناسان به صورت کامل قابل تطبیق نیست، اگرچه هریک از آنها قائل به مراتبی مادون و متعالی برای ایمان هستند، اما دیدگاه روان‌شناسان بیش از آنکه مرتب به احوال درونی انسان‌ها باشد مبتنی بر میزان رشد فیزیکی و ذهنی افراد است. حال آنکه دیدگاه قرآنی بیشتر بر اعتقاد جازم قلبی افراد مؤمن تأکید دارد. البته این نکته قابل تأمل است که در دو دیدگاه تحول افراد می‌تواند باعث تکمیل ایمان در آنها شود، زیرا

قدرت تفکر و استدلال افراد تحول می‌یابد و این به تعالی ایمان در آنها کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، تاحدی می‌توان ایمان جهانشمول را بر تعالی ایمان ابراهیم علیه السلام در زنده کردن مردگان برای نیل به «اطمینان قلبی» قابل انطباق دانست.

در متون اسلامی تحول در معنای هدایت، نجات، صلاح و کمال یافتن است. بنابراین، از دیدگاه اسلام رشد در تعالی انسان جایگاهی والا و ارزشمند دارد و انسان در مسیر تعالی‌اش می‌تواند به آن دست یابد، البته هرکس آسان به این جایگاه و مقام بلند نمی‌رسد.

بنابراین، می‌توان گفت که رشد و تربیت از دیدگاه اسلام رشد و تربیت اخلاقی است و هدف اسلام این است که انسان را به جایگاه اخلاقی و ارزشی او برساند. بر اساس این، ایمان در اسلام مراتبی دارد و هر چه انسان تلاش کند در جهت خودسازی و تحکیم رابطه خود با خدا به مراتب بالاتر می‌رسد و افراد کمی می‌توانند به بالاترین مراتب ایمان برسند و این مطلب مشابه مرحله نهایی قضاوت اخلاقی کلبرگ است. این مرحله شامل احساس وحدت با خداوند، تعهد به عشق، عدالت، غلبه بر ظلم و خشونت است. افرادی که به این مرحله از ایمان می‌رسند، جهان را سرشار از عشق و عدالت درک می‌کنند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
۴. اکبریان، رضا، گلستانه، فهیمه، ۱۳۹۱، *حقیقت ایمان از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت صدرایی*، ص ۳۲ - ۲۳.
۵. تیبک، محمدتقی، ۱۳۹۵، معرفی کتاب «ایمان از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر»، *نشریه پژوهش نامه روان‌شناسی اسلام*، ش چهار، سال دوم، ص ۱۶۵ - ۱۵۲.
۶. خادمی، عین الله و علیزاده، عبدالله، ۱۳۸۹، «نقد و بررسی دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی درباره ایمان و اسلام»، *فصلنامه الهیات تطبیقی*، سال اول، ش ۱، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۶۲ - ۱۵۰.
۷. شبستری، محمد، ۱۳۸۰، ایمان، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران، انتشارات دایره المعارف بزرگ اسلامی، چ اول.

۸. شکوری نژاد، احسان، علمی، قربان، ۱۳۹۰، مفهوم ایمان از دیدگاه محمد غزالی، *دوفصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش نامه ادیان*، سال پنجم، ش دهم. ص ۹۵ - ۶۹.
۹. شیرازی، صدرالدین، ۱۳۶۶، *مفاتیح الغیب*، ترجمه محمد خواجهی، تهران، مولی.
۱۰. شیرازی، صدرالدین، ۱۳۸۳، *شرح اصول کافی*، ترجمه محمد خواجهی، قم، بیدار.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طوسی، نصیرالدین محمد، ۱۳۷۳، *اوصاف الأشراف*، تصحیح سیدمهدی شمس الدین، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. فتح الهی، علی، نظری، علی، ۱۳۸۸، *اسلوب تعلیمی للنصوص العرفانیة باللغة العربیة*، اراک، انتشارات نویسنده، چ اول.
۱۶. الکلاباذی، ابوبکر محمد، ۱۴۲۲ / ۲۰۰۱، *التعرف لمذهب التصوف*، تقدیم الدكتور یوحنا الحبيب، بیروت، دارصادر، الطبه الاولى.
۱۷. الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *اصول کافی*، ج ۶، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. المبیدی، رشیدالدین ابوالفضل، ۱۳۶۱، *کشف الأسرار وعده الأبرار*، تصحیح علی اصغر حکمت، چ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۹. ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۸، *ایمان و تعقل*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۰. نوغانی، وحیده، ۱۳۹۵، بررسی و نقد مفهوم وحی گزاره‌ای و غیر گزاره‌ای در الهیات مسیحی، *فلسفه دین*، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۱۳۸ - ۱۱۳.
۲۱. هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۲. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، ۱۳۸۴، *کشف المحجوب با مقدمه و تصحیح و تعلیمات محمود عابدی*، تهران، سروش، چ دوم.

23. Bettelheim, B, 1977, *The uses of enchantment: The meaning and importance of fairy tales*, New York, Vintage.
24. Cartwright, K. B., 2001, Cognitive Developmental Theory and Spiritual Development, *Journal of Adult Development*, Vol. 8, 4, P. 213-220.
25. Dell, M. L., & Dulcan, M. K, 1998, *Childhood and adolescent development*, In A. Stoudemire (Ed.), Human behavior: An introduction for medical students, 3rd ed., Philadelphia: Lippincott-Raven, P. 317-261.
26. Erikson, E. H., 1963, *Childhood and society*, 2nd Ed, New York, Norton.
27. Fleck, J. R., Ballard, S.N., & Reilly, J.W, 1975, *The development of religious concepts and maturity: A three stage model. Journal of Psychology and Theology*, Vol. 3, P. 163-156.
28. Fowler, J. W., & Dell, M. L, 2006, *Stages of faith from infancy through adolescence: Reflections on three decades of faith development theory*, The handbook of spiritual development in childhood and adolescence, P. 45-34.
29. Fowler, J. W., & Lovin, R. W, 1980, *Trajectories in faith: Five life stories*, Nashville: Abingdon.
30. Fowler, J. W, 1974, *Agenda toward a developmental perspective on faith*, Religious Education, Vol. 69, P. 209-219.
31. Fowler, J. W, 1981, *Stages of faith: The psychology of human development and the quest for meaning*, New York, Harper Collins.
32. Fowler, J. W, 1987, *Faith development and pastoral care*, Philadelphia: Fortress Press.
33. Fowler, J. W, 1996, *Faithful change: The personal and public challenges of postmodern life*, Nashville, TN: Abingdon
34. Fowler, J.W, 1991, *Stages in faith consciousness. New Directions f or Child Development*, Vol. 52, P. 45-17.
35. Fowler, J.W, 1994, *Moral stages and the development of faith. In B. Puka (Ed.)*, Moral development: A compendium, New York: Garland Publishing, Volume 2, P. 374-344.
36. Hamilton, D. M., & Jackson, M. H, 1998, Spiritual development: Paths and processes, *Journal of Instructional Psychology*, Vol. 25, P. 270-262.
37. Krug, E. F., & Mikus, K. C, 1999, *The preschool years*, In M. D. Levine, W. B. Carey, & A. C. Crocker (Eds.), Developmental and behavioral pediatrics (3rd ed), Philadelphia, Saunders, P. 38-50.
38. Labouvie-Vief, G, 1990, *Modes of knowledge and the organization of development*, In M. L. Commons, C. Armon, L. Kohlberg, F. A. Richards, T. A. Grotzer, & J. D. Sinnott) Eds, Adult development, Volume 2: Models and methods in the study of adolescent and adult thought, Chap. 3, New York: Praeger, P. 43-62.
39. Ormer, R., & Fowler, J. W, 1993, *Childhood and adolescence-a faith development perspective*, In R. J. Wicks, R. D. Parsons, & D. Capps (Eds.), Clinical handbook of pastoral counseling, Mahwah, NJ: Paulist Press, Volume 1: Expanded edition, P. 212-171.

40. Oser, F. K., & Gmunder, P, 1991, *Religious judgement: A developmental approach*, Birmingham: Religious Education Press.
41. Piaget, J, 1976, *The child and reality*, New York, Penguin.
42. Piaget, J., & Inhelder, B, 1969, *The psychology of the child (Helen Weaver, Trans.)*, New York: Basic Books (Original work published 1966).
43. Sinnott, J. D, 1998, *The development of logic in adulthood: Postformal thought and its applications*, New York, Plenum.
44. Zuckerman, B. S., Frank, D. A., & Augustyn, M, 1999, *Infancy and toddler years. In M. D. Levine, W. B. Carey, and A. C. Crocker (Eds.)*, Developmental and behavioral pediatrics, (3rd ed., P. 24-36), Philadelphia, Saunders.
45. Offer, D., Schonert \_ Reichl, k. A., & Boxer, A. M. (1996). Normal adolescent development: Empirical research findings. In M. Lewis (Ed.), Child and adolescent psychiatry: A comprehensive textbook (2<sup>nd</sup> ed., p. 280). Baltimore: Williams and Wilkins.

